

با ۶ هزار میلیارد تومان؛

کعبود فضای آموزشی رفع می‌شود

گروه جامعه: مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان در دیدار با مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران با اشاره به تحصیل بیش از ۶۸۰ هزار دانش‌آموز در مدارس استان گفت: «سرانه فضای آموزشی استان (۴/۸ مترمربع به‌ازای هر دانش‌آموز) نسبت به میانگین کشوری (۵/۶ مترمربع) پایین است و برای رسیدن به میانگین کشوری اعتباری بالغ ۶ هزار میلیارد تومان نیاز است».

محمدرضا فرحبخش خاطرنشان کرد: «سرانه فضای آموزشی در شهرستان‌های کرمان، رفسنجان و جیرفت نسبت به میانگین فضای آموزشی استان پایین است و میانگین تراکم کلاسی در این شهرستان‌ها ۳۸ نفر است».

وی با بیان این‌که بازماندگی از تحصیل موتور محرکه فقر است، افزود: «تراکم بالای کلاس درس فرایند یاددهی و یادگیری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و در این کلاس‌ها بعضی از دانش‌آموزان بازمانده از تعلیم می‌شوند (چیزی یاد نمی‌گیرند)».

فرحبخش ادامه داد: «بر اساس برنامه طراحی شده قرار است طی ۴ سال آینده میانگین تراکم کلاسی شهر کرمان از ۳۸ به ۳۲ کاهش یابد که برای تحقق این مهم ۱۰۰ هزار مترمربع فضای آموزشی مورد نیاز است».

به گزارش روابط عمومی آموزش و پرورش استان کرمان، وی بیان کرد: «در آموزش و پرورش استان دنبال دستاوردسازی نیستیم بلکه هدف اصلی از بیان مشکلات رفع آن‌ها و جلوگیری از تکرار است زیرا اگر مشکلات را نگوئیم روزی به بحران تبدیل می‌شوند».

طلب‌کار بنگاه‌های اقتصادی استان هستیم
مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان با اشاره به میانگین پایین نمره امتحانات نهایی در استان خاطرنشان کرد: «برای افزایش میانگین نمره امتحانات نهایی برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت داریم».

وی توجه به گروه‌های آموزشی را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود در حوزه ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی دانست و خواستار همکاری شرکت مس برای تهیه وسیله نقلیه برای اعزام گروه‌های آموزشی به مناطق و شهرستان‌های استان شد.

فرحبخش با اشاره به نابرابری آموزشی در استان گفت: «برگزاری کلاس‌های آموزشی نقش موثری در ارتقای نمره میانگین امتحانات نهایی دارد».

وی بر هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تأکید کرد و افزود: «در شهرستان‌ها و مناطقی که دانش‌آموزان بر اساس استعداد تحصیلی به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش هدایت شده‌اند میانگین نمره امتحانات نهایی رشد قابل توجهی داشته است».

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان بر همکاری شرکت صنایع ملی مس ایران برای ساخت هنرستان‌های بزرگ‌مقیاس در شهرستان‌های رفسنجان و کرمان تأکید کرد و افزود: «آموزش و پرورش در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی طلبکار همه بنگاه‌های اقتصادی و معادن استان است و معادن نیز باید برای تامین نیروی انسانی کارآمد و متخصص خود با آموزش و پرورش حداکثر همکاری را داشته باشد».

توسعه باید از حوزه علوم پایه شروع شود
مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران نیز در این دیدار با بیان اینکه آموزش و پرورش نقش موثری در توسعه دارد، خاطرنشان کرد: «همه دغدغه توسعه را داریم و توسعه لاجرم باید از حوزه آموزش به ویژه علوم پایه شروع شود».

سیدمصطفی فیض‌اردکانی اظهار کرد: «توسعه عدالت آموزشی مد نظر ریاست‌جمهوری دکتر پزشکیان به‌ویژه توجه به ساختار آموزشی، بنیانی حکیمانه است که همه باید برای تحقق آن تلاش کنیم».

وی گفت: «باید مراکز فنی‌حرفه‌ای و کار دانش جوار کارخانه‌ای در راستای تربیت نیروی انسانی ماهر را مورد توجه قرار دهیم و امیدوارم مس ایران در این زمینه پیشگام باشد».

اسما پورزنگی آبادی

او از نسل معلمانی است که در مدرسه‌های امروزی کم‌تر می‌توان نشان‌شان را یافت. نسلی که معلمی را نه صرفاً یک شغل، بلکه رسالتی انسانی می‌دانست. نسلی که کلاس درس برایشان تنها محل انتقال اطلاعات نبود، بلکه جایی بود برای ساختن انسان و پرورش فکر.

فاطمه بیگم روح‌الامینی دبیر بازنشسته تاریخ از این نسل است. او متولد سال ۱۳۳۶ در شهرستان کوهبنان بوده و از دوران دبیرستان در کرمان زیسته است. در دانشگاه اصفهان دبیری تاریخ خوانده، به کرمان برگشته و ۳۰ سال در کلاس‌های درس معلمی کرده و همزمان با این حرفه، خدمت بزرگ دیگری نیز به فرهنگ و تاریخ کرمان داشته است؛ روح‌الامینی با جمع‌آوری اسناد تاریخی و کتاب‌های قدیمی موزه تاریخ آموزش‌وپرورش کرمان را راه‌اندازی کرده است. موزه‌ای که به گفته او، سه سال می‌شود دره‌ایش بسته است. موزه‌ای که بسیاری از اسناد تاریخی آن را بیرون ریخته‌اند! همین است که می‌گوید بارها به‌خاطر این موزه اشک ریخته‌ام.

به بهانه روز معلم با او که مولف چندین جلد کتاب از جمله تاریخ کوهبنان نیز هست گفت‌وگو کردیم. هم از ماجرای موزه و نوشتن کتاب‌های تاریخ آموزش‌وپرورش در کرمان و شهرستان‌ها گفت و هم از معلم‌ها و مدرسه‌های گذشته و امروز. او بارها اذعان کرد که جامعه امروز ما حرمتی برای معلم قائل نیست. حاصل این گفت‌وگو در ادامه از نظراتان می‌گذرد.

خانم روح‌الامینی شما همزمان با دبیری و حضور در کلاس و مدرسه، فعالیت‌هایی در حوزه اجتماعی و پژوهشی را شروع کردید یا بعد از بازنشستگی؟

آغاز این فعالیت‌هایم همزمان با دبیری بود و بعد از بازنشستگی هم آن را ادامه دادم. چه عامل و انگیزه‌ای شما را به سمت این فعالیت‌ها کشاند؟ از فرد خاصی الهام گرفتید یا انجام این فعالیت‌ها به شما احساس خاصی می‌دهد که سراغش رفتید؟ چون بسیاری از افراد تنها بر تخصص و شغل خود تمرکز می‌کنند و حوزه‌های دیگر را تجربه نمی‌کنند. زمانی که در دانشگاه اصفهان داشجو بودم درسی داشتیم با موضوع روش پژوهش؛ استاد میرجعفری آن را تدریس می‌کردند که بسیار باسواد بودند. من با شیوه درس دادن ایشان به حوزه پژوهش علاقه‌مند شدم. ایشان روش‌های تحقیق و پژوهش را مطرح می‌کردند و می‌گفتند دانشجوی تاریخ باید محقق باشد. این درس را بسیار دوست داشتم و با خودم تصمیم گرفتم درسم که تمام شد و به کرمان برگشتم سعی کنم حتما کارهای پژوهشی انجام دهم. از استاد میرجعفری تأثیر گرفتم و این انگیزه در من ایجاد شد البته اتفاقات دیگری هم افتاد که انگیزه‌ام را قوت بخشید. وقتی دانشجوی سال چهارم بودم انقلاب پیروز شد و دانشگاه‌ها برای مدتی تعطیل شده بود و من هم از اصفهان به کرمان آمدم. این، مصادف بود با زمانی که معلمان کرمان در حیاط اداره کل آموزش‌وپرورش تحصن کرده بودند. من که این خبر را شنیدم گفتم بروم سری بزنم. دبیرستان بهمینار که در آن درس خوانده بودم هم کنار اداره کل بود؛ نرسیده به چهارراه کاظمی در خیابان دکتر داوودی. خواستم هم سری به مدرسه‌ام بزنم و هم به معلمانی که تحصن کرده بودند. آن روز با صحنه‌ای مواجه شدم که بسیار ناراحت‌کننده بود و بر من تأثیر زیادی گذاشت؛ دیدم از طبقه دوم اداره کل، کارتن کارتن سندهایی را به پایین می‌ریختند. معلمان متحن که انقلابی بودند همه نظاره‌گر بودند ولی عده‌ای دیگر، روی این سندها نفت می‌ریختند و با چوب آن‌ها را زیر و رو می‌کردند که خوب شعله‌ور شود. از معلمانی که آنجا بودند بودند می‌پرسیدم این اسناد چیست که آن را می‌سوزانند؟ می‌گفتند نمی‌دانیم، لابد اسنادی مجرمانه است که باید سوخته شود. من چون در رشته تاریخ درس خوانده بودم می‌دانستم این سندها بخشی از فرهنگ



جامعه و بسیار ارزشمند است و هر برگ آن که بسوزد دیگر هرگز یافت نمی‌شود. این اتفاق خیلی برایم ناراحت‌کننده بود. از آن روز تصمیم گرفتم هرجا عکس یا سندی مربوط به فرهنگ کرمان دیدم جمع‌آوری و حفظ کنم. در زمان انقلاب عده‌ای که به اصطلاح خیلی تندرو بودند گفتند پاکسازی همه‌چیز باید انجام شود و به همین خاطر، در جوی خیابان‌هایی که در آن اداره‌ای وجود داشت کارتن‌هایی پر از اسناد ریخته می‌شد. من برخی سندها را از کارتن‌های داخل جوی‌ها و خیابان‌ها پیدا کردم. مثلاً از کانون اندیشه امروزی که قبل از انقلاب کاخ جوانان بود عکس و سندهای زیادی بیرون ریخته بودند. خیلی از سندها را هم به رانندگان می‌دادند که بیرون از شهر بریزند. این واقعه بسیار بر من تأثیر گذاشت. تصمیمی که برای جمع‌آوری اسناد گرفتم منجر به این شد که حدود ۱۵ هزار سند را جمع‌آوری کنم.

از همان زمان به فکر راه‌اندازی موزه برای نگهداری و نمایش این سندها افتاده بودید یا این ایده بعدها به ذهن‌تان رسید؟
هنوز چنین ذهنیتی نداشتم که موزه راه‌اندازی کنم. فقط می‌خواستم اسناد جمع‌آوری و حفظ شود. بعد از اینکه درسم در رشته دبیری تاریخ تمام شد، بلافاصله استخدام شدم. آن زمان هر دانشگاه جداگانه پذیرش داشت، در کنکور شرکت می‌کردیم و کارنامه را برای هر دانشگاهی که اعلام می‌کرد می‌فرستادیم و نتیجه را به ما می‌دادند. من رتبه ۲۱ کنکور شدم و در هفت، هشت دانشگاه پذیرفته شدم. کرمان آن زمان هنوز دانشگاه نداشت. در اصفهان تاریخ و مشهد جغرافیا و تهران مترجمی زبان و اهواز ادبیات و تبریز حقوق پذیرفته شده بودم ولی خانواده گفتند اصفهان به کرمان نزدیک‌تر است بنابراین، رشته دبیری تاریخ را در اصفهان شروع کردم. در این مقطع تحصیلی هم دانشجوی ممتاز شدم. آن زمان، دانشجویان ممتاز را برای فوق لیسانس معرفی می‌کردند. چون دبیری خوانده بودم اگر تعهد می‌دادم ماهی ۳۰۰ هزار تومان کمک هزینه هم می‌پرداختند و استخدام دولت به حساب می‌آمد ولی من تعهد دبیری ندادم و پول هم نگرفتم تا در کنکور (فوق لیسانس) شرکت کنم. اما درسم که تمام شد انقلاب فرهنگی رخ داد و چهار سال دانشگاه تعطیل شد و بعد هم که استخدام آموزش‌وپرورش شدم و ازدواج و بچه‌داری پیش آمد و دیگر نتوانستم درس را ادامه بدهم.

وقتی معلم شدید همچنان سندهای تاریخی را هم جمع‌آوری می‌کردید؟
بله. خیلی دوست داشتم کارهای پژوهشی انجام دهم و کتاب چاپ کنم. وقتی به کرمان آمدم برای استخدام اقدام کردم، گفتند در کرمان نیاز نداریم و اگر سیرجان می‌خواهید همین الان بروید. من سیرجان را نپذیرفتم و چون تعهد نداده بودم می‌توانستم که نروم. یک هفته بعد از این مراجعه‌ام بود که با من تماس گرفتند که در مدرسه ابوریحان مشغول بشوم. این مدرسه کنار پژوهشکده بود و فکر کنم الان مدرسه آیت‌الله سعیدی است. بنابراین، در سال ۵۸ به‌عنوان معلم تاریخ استخدام شدم و تدریس در سال چهارم را شروع کردم. خیلی تجربه خوبی بود و در کارم موفق بودم. همزمان

خیابان‌ها پیدا کردم یا خانه به خانه گشتم و آن را یافته‌ام و اگر برای حفظ آن کاری نکنیم معلوم نیست چه سرنوشتی پیدا کنند.

در این زمان مدیرکل آموزش‌وپرورش استان چه کسی بودند؟

مهندس محمد تقی‌زاده. ایشان بسیار حامی بودند و باعث شدند کتاب‌ها چاپ شود. پرسیدند چه کنیم؟ پیشنهاد دادم که موزه اسناد آموزش‌وپرورش کرمان راه‌اندازی شود و من تمام سندها و عکس‌هایی که دارم را برای نمایش در غرفه‌ها آماده می‌کنم تا مردم و دانش‌آموزان و معلمان ببینند و با فرهنگ خودشان آشنا شوند. ایشان خیلی از این پیشنهاد استقبال کردند و پرسیدند در چه مکانی باشد؟ گفتیم در یک مدرسه تاریخی و قدیمی و پژوهشکده فعلی را پیشنهاد دادم که زمانی مدرسه جم و مدتی پهلوی بود و انگلیسی‌ها آن را ساخته بودند. خودشان مدرسه سعادت در میدان فابریک را مدنظر داشتند. این گزینه را اما گفتم چون مسیرش از مرکز شهر خیلی فاصله دارد مناسب نیست. آن زمان در بخش تاریخ پژوهشکده هم کار می‌کردم. قبل از موزه نمایشگاهی هم در پژوهشکده برگزار کرده بودم که خیلی مورد استقبال قرار گرفته بود.

این سندهایی که به آن اشاره کردید، حاوی چه اطلاعاتی است؟ در دفتر مدرسه‌ها بوده است؟

این سندها بیش‌تر در بایگانی‌های راکد بوده است. پرونده دانش‌آموزان، گواهینامه‌ها، حکم معلمان، دستورالعمل‌های وزارت‌خانه درباره مسائلی مانند حقوق معلمان و مدیران و شرایط و ابلاغ‌هایی که به افراد و مدیران کل می‌دادند، ابلاغ‌هایی مثل این مورد که معلمان شش ساعت در هفته رایگان و به صورت اختیاری علاوه بر ساعت موظفی خود کار می‌کردند، توبیخ‌ها و تشویق‌های معلمان یا دانش‌آموزان و اسنادی درباره معلمان نمونه، از این سندها مشخص شده که آن زمان اگر دانش‌آموزی ابتکاری نشان می‌داد اول معلم را تشویق می‌کردند و بعد دانش‌آموز.

قدیمی‌ترین سند مربوط به چه تاریخی است؟

سند از سال ۱۲۷۵ خورشیدی داریم. یعنی قبل از مشروطه؟
بله. در دوره مشروطه مدارس دولتی مثل مدرسه احمدی که نخستین مدرسه دولتی کرمان است را داشتیم. قبل از آن، مدرسی مثل مدرسه نصرتیه و سعادت را داشتیم که زرتشتیان و با عنوان مدارس ملی تاسیس کرده بودند و مردم خودشان آن را اداره می‌کردند یا مدرسه دوشیزگان را که انگلیسی‌ها تاسیس کرده بودند. خیران زرتشتیان در استان کرمان تعداد زیادی مدرسه به‌عنوان مدرسه ملی تاسیس کرده بودند که پنج، شش مدرسه آن در شهر کرمان بود. سال ۱۲۸۵ خورشیدی نخستین مدرسه دولتی در کرمان تاسیس شد. در سه جلد کتاب تاریخ آموزش‌وپرورش می‌توانید به‌طور دقیق مشخصات و جزئیات این مدارس را بخوانید.

برگردیم به موضوع تاسیس موزه که به آقای تقی‌زاده مدیرکل وقت آموزش‌وپرورش پیشنهاد کرده بودید. ایشان با راه‌اندازی موزه موافقت کردند و به من گفتند سخت‌افزار و فضای فیزیکی را ما خودمان تامین می‌کنیم. شما قول می‌دید که در بخش نرم‌افزاری و اسناد کار کنید؟ من پذیرفتم و کار راه‌اندازی موزه شروع شد.

چه سالی بود؟
سال ۸۳ خورشیدی کتاب‌ها چاپ و راه‌اندازی موزه قطعی شد و یک سال بعد و در سال ۸۴ موزه آگیا افتتاح شد. بخشی از سالن امتحانات دبیرستان امام به‌عنوان نمازخانه مدرسه مورد استفاده قرار گرفت و بقیه آن که سه طبقه داشت برای موزه اختصاص یافت. طبقه پایین به‌عنوان مخزن موزه تعریف شد و در طبقه بالا اسناد و تصاویر و کتاب‌های تاریخی و در طبقه همکف تالیفات و دستاوردهای معلمان و دانش‌آموزان به نمایش گذاشته شد.